آزادی در ابرها*

آسانژ، مَنینگ و اسنودن قهرمانان جدید در عصر نظارت دیجیتالی‌اند

اسلاوی ژیژک
ترجمه: امیررضا گلابی

همه ما چهره بشـاش و سرشـار از امیـد پرزیدنت اوباما را در خلال مبارزات دوره اولـش به یاد می‌آوریم، هنگامی که او شـعارش را مدام تکرار می‌کرد، «آری، ما می‌توانیم!»- ما می‌توانیم از شرِ کلبی‌مسلکی دوره بوش خلاص شویم و عدالت و رفاه اجتماعی را برای مردم آمریکا به ارمغان آوریم. اکنون که ایالات‌متحد به عملیات مخفیانه‌اش ادامه داده و شبکه جاسوسی‌اش را تا حد جاسوسی علیه هم‌پیمانانش گسترش می‌دهد، می‌توانیم تظاهراتی را تصور کنیم که در آن معترضان بر سر اوباما فریاد می‌زنند: «تو چگونه می‌توانی از پهپادها برای کشتن استفاده کنی؟ تو چگونه می‌توانی حتی علیه متحدانمان جاسوسی کنی؟» آن‌وقت است که اوباما برمی‌گردد و نگاهشان می‌کند و با لبخندی شیطانی می‌گوید: «آری، ما می‌توانیم...»

اگرچه، شـخصی‌کردن سـاده ماجرا نکته اصلی را نادیده می‌گیرد: فاش‌شدن تهدید علیه آزادی‌هایمان توسط افشاگرها ریشه‌های متکثر و منتشر (سیستمیک) عمیق‌تری دارد. از ادوارد اسنودن باید دفاع کرد نه از این‌رو که کارش پلیس مخفی ایالات متحد را به دردسر انداخت و آبرویش را برد، درسی که او می‌دهد جهانشمول است؛ فراتر از ضربه‌زدن صرف به ایالات‌متحد. چیزی که او افشا کرد کاری بود که نه‌تنها ایالات متحد بلکه تمام قدرت‌های بزرگ (و البته نه‌چندان بزرگ) - از چین تا روسـیه، از آلمان تا اسـراییل - تا جایی که توان فنی‌اش را داشته باشند، انجام می‌دهند. به این قرار، کار او شـالوده‌ای واقعی به دست می‌دهد برای دلواپسی‌های ما از اینکه تا چه میزان تحت نظارت و کنترل بوده‌ایم. اسنودن -ا مَنینگ- در واقع چیزی بیش از آنچه خودمان می‌دانسـتیم و تصور می‌کردیم درسـت است به ما نگفته‌اند- اما اینکه قضیه‌ای را به‌طور کلی بدانیم یک چیز است و اینکه اطلاعات و داده‌های مشخص و دقیق داشته باشیم چیز دیگر. کمی شبیه این است که کسی بداند شـریک زندگی سروگوشـش می‌جنبد- آدم می‌تواند با صرف آگاهی با این موضوع کنار بیاید، اما قضیه وقتی دردناک می‌شود که جزییات پرشور ماجرا برایش رو شود، وقتی عکس‌هایی از آن دو به دستش برسد.

در سـال ۱۸۴۳، مارکس جوان مدعی شـد که رژیم سـابق آلمان «تنها تصور می‌کند به خود باور دارد و از همه دنیا نیز می‌خواهد چنین تصوری داشته باشند.» در چنین موقعیتی، رسواکردن قدرتمندان خود به سلاحی تبدیل می‌شود- یا، آنگونه که مارکس در ادامه می‌نویسـد: «فشـار واقعی را باید افزایش داد، آن‌هم با افزودن آگاهی از فشـار به خود فشار؛ شرم را باید شدت بخشید و به شرمی بیشتر تبدیل کرد؛ با علنی‌کردنش.» و این دقیقا وضعیت امروز ماست: ما امروزه با کلبی‌مسلکی بی‌شـرمانه نمایندگان نظم موجود جهانی مواجهیم کـه «تنها تصور می‌کنند به ایده‌شان در باب دموکراسی، حقوق بشر و ...، باور دارند.» چیزی که در افشاگری‌های ویکی‌لیکس اتفاق افتاد این بود که «شرم آنها و مایی که حکمرانی چنین قدرتی را بر خود تحمل می‌کنیم، با علنی‌شدنش، شرم‌آورتر شد.»

چیزی که باید از آن شـرمنده باشیم فرآیند جهانی تنگ‌ترشدن فضا برای آن چیزی است که ایمانوئل کانت «کاربرد عقل در عرصه عمومی» می‌نامید. کانت در نوشته کلاسیک خود «روشنگری چیست؟»، کاربرد «عمومی» و «خصوصی» از عقل را در مقابل هم قرار می‌دهد. «خصوصی» برای کانت آن نظم اشتراکی-نهادی است که ما در آن غوطه‌وریم (دولتمان، ملتمان، ...)، در حالی‌که «عمومی» کلیت فراملی به‌کارگیری عقل هر فرد است:

به‌کارگیری عمومی خرد خود باید همیشه آزاد باشد و فقط همین نوع به‌کارگیری خرد اسـت که می‌تواند روشنگری را به میان مردم بیاورد. اما از سوی دیگر، دامنه به‌کارگیری خصوصی خرد را اغلب می‌توان خیلی محدود کرد بی‌آنکه مانع پیشرفت روشنگری شود. منظور من از اصطلاح به‌کارگیری عمومی خرد، به‌کارگیری‌ای است که یک پژوهشگر از خرد خود می‌کند تا با مردمان باسواد سخن گوید و مقصود من از اصطلاح به‌کارگیری خصوصی خرد، آن نوع به‌کارگیری خرد است که یک شخص مثلا در مقام کارمند اداره یا شاغل در یک موسسه در امور شغلی خود از خرد خویش می‌کند. [ترجمه از یدالله موقن]

ببینید کانت در کجا راه خود را از عقل سـلیم و شـعور لیبرالی ما جدا می‌کند: به‌زعم او، قلمرو دولت حوزه «خصوصی» اسـت منافع جزیی یا خاص محدوده‌اش را تعیین می‌کند، در حالی‌که افرادی که در باب مسایل عمومی فکر می‌کنند از خردشان به صورت «عمومی» استفاده می‌کنند. این تمایز کانتی مخصوصا با اینترنت و سایر رسانه‌های جدیدی همخوانی دارد که مابین «کاربرد عمومی» آزادانه و کنترل رو به افزایش «خصوصی» دو شقه شده‌اند. در عصر رایانشِ ابری (Cloud computing)،

ادوارد اسنودن

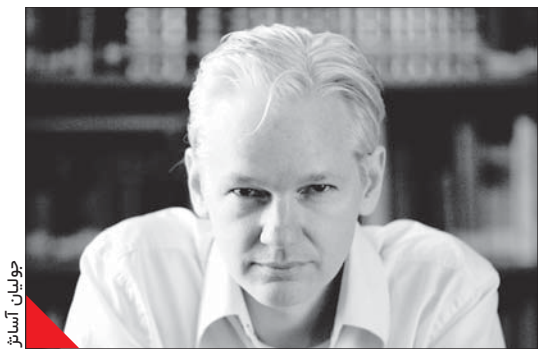

جولیان آسانژ

بردلی منینگ

ما دیگر احتیاجی به رایانه‌های شخصی قوی نداریم: نرم‌افزارها و اطلاعات برحسب نیازمان در دسترس است، و کاربران می‌توانند از طریق مرورگرهای خود به ابزارها و برنامه‌های تحت وب به‌گونه‌ای دسترسی پیدا کنند که گویی این برنامه‌ها روی رایانه شخصی‌شان نصب شده است.

ولی این دنیای حیرت‌انگیز جدید، تنها یک‌سوی ماجراست، که می‌توان آن را شبیه لطیفه معروفی درباره دکتری خواند که «اول خبر خوب را می‌دهد، سپس خبر بد را.» کاربران به نرم‌افزارها و برنامه‌هایی دسترسی دارند که دور از دسترس آنها در اتاق‌هایی تحت‌کنترل به همراه هزاران رایانه نگهداری می‌شوند- یا اگر بخواهیم از متنی تبلیغاتی درباره رایانش ابری نقل قول کنیم: «جزییات از مصرف‌کنندگان جدا شـده، مصرف‌کنندگانی که دیگر نیازی ندارند در زیرساخت‌های فناوری «رایانش ابری» که از آنها پشتیبانی می‌کند تخصص یا بر آنها نظارت داشته باشند.» دو واژه در اینجا گویای همه‌چیز است: «جداشدن» و «نظارت»- برای مدیریت یک ابر، احتیاج به یک سیستم کنترلی است که بر کارکردش نظارت داشته باشد و این سیستم، طبق تعریفش، از کابران آن مخفی است. هر چقدر ابزار کوچکی که در دستم می‌گیرم شخصی‌تر باشد (تلفن‌های هوشمند یا ابزارهای کوچک قابل حمل)، هرچه استفاده از آن ساده‌تر و کارکردش «شفاف‌تر» باشد، کل دستگاه بیشتر باید به کاری که در جای دیگری صورت می‌پذیرد تکیه کند، به حلقه عظیم ماشین‌هایی که تجارب کاربران را سروشکل می‌بخشد. هرچه تجاربمان غیربیگانه‌تر، خودانگیخته‌تر و شفاف‌تر باشد، بیشتر توسط شبکه نامریی تحت کنترل آژانس‌های دولتی و کمپانی‌های خصوصی عظیمی تنظیم می‌شود که تابع برنامه‌های سری دولتند.

همین که تصمیم بگیریم مسیر اسرار دولت را تعقیب کنیم، دیر یا زود به نقطه سرنوشت‌سازی می‌رسیم که در آن خود مقررات قانونی که مقرر می‌کنند چه چیز سری یا مخفی باشد سری و مخفی می‌شوند. کانت اصل اساسی حقوق عمومی را چنین صورت‌بندی کرد: «همه اقدامات مرتبط با حقوق دیگر آدمیان خلاف عدالتند، اگر چنانچه قاعده راهبر آنها با قاعده عمومیت یا همگانی‌بودن سازگار نباشد.» یک قانون سری، قانونی که برای مردم ناشناخته باشد، به استبداد دلبخواهی مجریانش مشروعیت می‌بخشد، چنان‌که اخیرا تیتر گزارشی درباره چین می‌گوید: «در چین حتی خود اینکه چه چیزی سـری است، سری است.» روشنفکران مزاحمی که از سرکوب‌های سیاسـی چین، فجایع طبیعی، فقر روستایی، و ... گزارش داده‌اند، به دلیل افشای اسرار دولتی به سال‌ها زندان محکوم شده‌اند. نکته اینجاست که خیلی از قوانین و مقرارتی که رژیم دولت سـری را سـاخته خودشان محرمانه‌اند، و این موجب می‌شود افراد به سختی متوجه شوند چرا و چگونه از قوانین تخطی کرده‌اند.

چیـزی که کنترل همه‌جانبـه بر زندگی‌مان را اینقـدر خطرناک می‌کند این نیست که ما خلوتمان را از دست داده‌ایم و اسرار شخصی‌مان در برابر چشم «برادر اعظم» برملا شـده؛ هیچ سازمان دولتی نیسـت که بتواند چنین نظارتی را اِعمال کنـد- نه از این‌رو که آنها به اندازه کافـی نمی‌دانند، بلکه از این‌رو که بیش از حد می‌دانند. حجم مطلق داده‌ها بسـیار زیاد است، و به‌رغم وجود همه این برنامه‌های پیچیده برای تشخیص پیام‌های مشکوک، رایانه‌هایی که میلیاردها داده را بررسی می‌کنند کودن‌تر از آنند که آنها را به‌گونه‌ای صحیح تجزیه و تحلیل و ارزیابی کنند، و ایـن منجر به خطاهای احمقانه و بیش از حدی می‌شـود که در نتیجه‌اش یک فرد بی‌گناه در فهرسـت تروریست‌های بالقوه قرار می‌گیرد و این است که نظارت دولتـی بر ارتباطاتمان را حتی خطرناک‌تر می‌کنـد. بدون اینکه بدانیم چرا، بدون ارتکاب هیچ عمل غیرقانونی، ناگهان می‌توانیم خود را در فهرسـت تروریست‌های بالقوه بیابیم. به‌یاد بیاوریم پاسخ افسانه‌ای ویراستار روزنامه هیرست را به نظرخواهی این روزنامه که پرسیده بود چرا نمی‌خواهد از یک تعطیلات بلندمدت که مستحق آن است استفاده کند: «می‌ترسم اگر بروم، هرج‌ومرج شود، همه چیز از هم بپاشد، اما حتی بیشتر از این می‌ترسم که اگر بروم، همه چیز بدون من به همان روال عادی خود پیش رود، اثباتی بر اینکه واقعا نیازی به من نیست!» چیزی مشابه این نکته را می‌توان درباره نظارت دولتی بر ارتباطات ما گفت: باید از این بترسیم که دیگر چیزی مخفی نداریم، اینکه سازمان‌های سری دولتی همه چیز را می‌دانند، اما بیشتر باید از این بترسیم که آنها در انجام این مهم شکست بخورند.

به همین دلیل است که افشاگران نقش حیاتی در زنده نگه‌داشتن «خرد عمومی» ایفا می‌کنند. آسانژ، منینگ، اسنودن، ... قهرمانان جدید ما هستند، مثال‌هایی از اخلاق جدید درخور عصر کنترل دیجیتالی ما. آنها دیگر افشاگرانی نیستند که اَعمال غیرقانونی کمپانی‌های خصوصی (همچون شرکت‌های نفتی، دخانیات یا بانک‌ها) را برای مقامات افشـا می‌کنند؛ آنها به انتقاد از خود این مقامات یا موسسـات دولتی می‌پردازند، در مواقعی که مقامات مذکور به «کاربرد عقل در حوزه خصوصی» روی می‌آورند.

ما به منینگ‌ها و اسـنودن‌های بیشتری در چین، روسیه، و همه‌جا نیاز داریم. دولت‌هایی هستند به مراتب سرکوبگرتر از ایالات متحد- فکرش را بکنید برای کسی مثل منینگ در دادگاهی در چین یا روسـیه چه اتفاقی می‌افتاد (به احتمال زیاد محاکمه علنی در کار نبود!) اما نباید در باب نرمش ایالات‌متحد اغراق کرد. درست است که ایالات‌متحد به اندازه چین یا روسیه با زندانیان باخشونت رفتار نمی‌کند- زیرا به دلیل برتری‌های فنی‌اش، احتیاجی به اِعمال خشونت آشکار ندارد (البته به وقتش، خیلی هم آماده اعمال خشونت است)، اما کنترل دیجیتالی نامحسوس به‌قدر کافی کارشان را راه می‌اندازد. به این معنی، ایالات متحد حتی از چین و روسیه هم خطرناک‌تر است زیرا اقدامات نظارتی آن به‌خودی‌خود قابل فهم و واضح نیست، در حالی‌که خشونت چینی‌ها آشکار است.

ازیـن‌رو، کافی نیسـت که یک دولت را در برابر دولـت دیگر قرار دهیم (کاری که اسنودن کرد، او از روسیه علیه ایالات متحد استفاده کرد.) ما به یک بین‌الملل (انترناسیونال) جدید نیاز داریم، یک شبکه بین‌المللی برای سازماندهی حفاظت از افشاگران و انتشار پیامشان. افشاگران قهرمانان ما هستند زیرا ثابت می‌کنند که اگر اصحاب قدرت می‌توانند ما را کنترل کنند، ما نیز می‌توانیم دست به حمله متقابل بزنیم و به هراسشان بیندازیم.

* منظـور از ابر یا cloud سیسـتم دسترسـی به اطلاعـات، نرم‌افزارها و ابزارهایی است که پردازش، نگهداری و کنترل آنها به جای رایانه خصوصی در فضای اینترنت و از طریق سرورهای قدرتمند انجام می‌شود، در سیستم فوق، رایانه شخصی تنها درگاهی است برای ورود و دریافت اطلاعات، ویژگی نظام فوق استفاده حداقلی از فضای رایانه شخصی، عدم نیاز به نصب نرم‌افزارهای پیچیده و عدم نیاز به رایانه پیچیده برای اجرای نرم‌افزارهای قدرتمند است، به دلیل اینکه عملیات پردازش و نگهداری اطلاعات در محلی دیگر و توسط رایانه‌های بسیار قوی‌تر صورت می‌گیرد. خطر چنین سیستمی وابستگی بیشتر کاربر به سیستم ارایه‌دهنده خدمات است ـــ م.

ادامه از صفحه ۷

هیتلر بعد از تورات و انجیل

هیتلـر نیز به آنها قـول داده بود که انتقام تمام توهینی را که به آلمان شـده از کشـورهای پیروز خواهد گرفت. البته غیر از توده‌های مردم، اسـتادان دانشگاه از جملـه مارتیـن هایدگـر و هوپمن و بسیاری از فیلسـوفان و دانشمندانی که صاحـب جایزه نوبل شـدند نیز از هیتلر حمایت کردند. از طرفی در دانشـگاه نیز دسـت به یک انقلاب فرهنگی زد و آنجا را از دو عنصر کمونیسم و یهود پاکسازی کرد، کتابخانه‌های آنها را به آتش کشید و بسیاری از دانشمندان برجسته آلمانی از جمله اینشتین و همچنین اعضای مکتب فرانکفورت را مجبور به مهاجرت به آمریکا کرد که این مهاجرت منشا تحولات بعدی زیادی شـد. از جمله مهاجرت اینشتین باعث شد تا آمریکایی‌ها به فرمول بمب اتم دسـت پیدا کنند. به این موضوع هم باید اشاره کرد که با توجه به محرومیت توده‌ها و پرجمعیت بودن حزب کمونیست آلمان، لنین بسیار علاقه‌مند بود تحت رهبری دو عنصر قدرتمند یعنـی رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت، آلمان را به دومین کشور مارکسیست اروپا تبدیل کند. اما در جنگ خیابانی که میان نازی‌ها و کمونیسـت‌ها صورت گرفت هر دو رهبر به دست مردم کشته شـدند و فعالیت حزب کمونیست غیرقانونی اعلام شد.

تمام فعالیت‌های هیتلر از ترور مخالفان گرفته تـا پاکسـازی دانشـگاه و نابودی کمونیسـت‌ها و یهودی‌ها به دست یاران وفـادارش انجام می‌شـد؛ از جمله گوبلز (رییس سازمان تبلیغاتی نازی‌ها)، هیملر (رییـس گروه فشـار اس‌اس) و ارنسـت روم (رییس گروه سـرکوب اس آ). بعد از شکست کمونیست‌ها و اخراج دسته‌جمعی یهودی‌ها، هیتلر پیمان ورسای را به‌عنوان کاغذپـاره‌ای آتـش زد و با یـک روحیه ناسیونالیستی و شوونیستی و نژادپرستانه عمیق و حس تنفر و کینه‌توزی سـاعت ۳:۳۰ اول سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان لشکر کشید و جنگ جهانی دوم را شروع کرد و کمتر از شش‌ماه تمام کشورهای شمال اروپا به تصرف نازی‌ها درآمد. با تمام خصومتی که آلمان‌ها نسبت به فرانسه داشتند، اما در نهایت پاریس سـقوط کرد. به این ترتیب رایش سوم با صدراعظمی هیتلر آغاز شد و در مدت شش‌سال تقریبا چهارپنجم جهان به طور مستقیم یا غیرمستقیم دستخوش جنگ جهانی دوم شـدند ولـی به مرور با ورود آمریکا به جنگ، صحنه جنگ کاملا تغییر کرد و مقدمات شکست هیتلر فراهم شـد. البته هیتلر در حمله سال ۱۹۴۱ به شوروی - چون تصمیم داشت تا پاییز کار شوروی را تمام کند- در پشت دروازه‌های مسکو نخستین طعم شکست را چشید و بسیاری از سربازانش دچار همان سرنوشتی شدند که سربازهای ناپلئون در سال ۱۸۱۲ دچار شده بودند.

قفسه

نگاهی به «پیدایش امپراتوری ایران»

ایران قدیم

منطقه وسیع جغرافیایی که بعدها ایران نام گرفت از هزاران سال قبل از میلاد مسیح، به خاطر جذابیت‌های آب‌وهوایی و زیست‌محیطی، مورد علاقه اقوام مختلف برای مهاجرت و سکونت ـ به‌خصوص از استپ‌های دریای خزر ـ بوده است. تضارب فرهنگ‌های پیشینی در این منطقه موجب به‌وجودآمدن تدریجی دولت- شـهرهای مختلف شد. شهری که پیرامون آن کشتزارها و چراگاه‌ها وجود داشـت و به عنوان اولین نمونه از یک واحد سیاسـی در ایـران به شـمار می‌آید. کم‌کم دولت‌شـهرها پس از متحدشـدن تبدیل به مجموعه‌ای ملی شـدند که با آماده‌سازی تجهیزات جنگی و گسترش مرزهای خود، اولین هسته‌های تشکیل یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ، یعنی امپراطوری ایـران را فراهم کردند. کتاب «پیدایش امپراتوری ایران» با بررسـی اسناد تاریخی و مجموعه‌مقالات متنوع به تاریخچه «ایده ایران» می‌پردازد. این کتاب شامل مجموعه‌ای از شش درس‌گفتار است که در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی و توسط انستیتوی خاورمیانه لندن در SOAS و موزه بریتانیا برگزار شد. دغدغه نویسندگان کتاب بررسی مساله پیچیده ایران و هویت ملی به کمک اسناد، تصاویر و ارجاعات کارشناسان این حوزه در مقالات مختلف اسـت. موفقیت نویسـندگان در تشریح این مفاهیم، پژوهشگران رشته‌های مختلف باستان‌شناسی، تاریخ، دین و فلسفه را قادر می‌سـازد تا مسـایل گوناگون ناظر بر ماهیت و منشا ایران در مقام موجودیتی سیاسـی، دینی و قومی را بررسی کنند. کتاب در شش فصل نوشـته شده اسـت. فصل اول به رابطه کوروش کبیر با پادشاهی آنشان و فرهنگ عیلامی می‌پردازد تا از خلال آن مفهوم «امپراتوری پارسی» و هویت ایرانی را توضیح دهد. دانیل پاتز در مقاله خود به نقش و سـهم عیلامی‌ها در تشـکیل هویتی قومی و فرهنگی می‌پردازد که معمولا با بنیان‌گذاری امپراتـوری ایران در عصر کوروش کبیر در ۵۵۰ قبل از میلاد پیوسـتگی دارد. در فصل دوم، فرانتس گرنت به جغرافیا و گستردگی اوستا می‌پردازد. او موضوع را از دیدگاهی دیرین‌شناختی و نیز زبان‌شناسی تاریخی می‌نگرد. در فصول سوم و چهارم با عناوین هخامنشیان و اوستا و دهش مغان، اسکی یـرو و دی یونگ، هر دو ایده ایران را از دیدگاهی دینی می‌نگرند. مسـاله اینکه پادشاهان اولیه هخامنشی زرتشتی بوده‌اند یا نه؟ یکی از پیشرفت‌های پژوهشـگری نوین در رشته آیین زرتشتی تحقیق درباره ماهیت و ترکیب متون شفاهی است. در دهش مغان دی یونگ به معنای آیین زرتشتی در دوران هخامنشیان نخستین می‌پردازد که با پیدایش مفهوم «مغ» و «مگوس» شـروع می‌شود. او با رجوع به منابع یونانی نشـان می‌دهد که چطور این مفهوم، معنایی دوپهلو یافت که هم کاهن زرتشـتی و هم افسون‌گر از آن مراد می‌شد. در فصل پنجم شاپور شهبازی پژوهشگر دانشگاه ارگون شرقی به این نظریه می‌تازد که ایده ایران فقط در عهد ساسـانیان سـابقه دارد و می‌گوید این ایده به عنوان هویت ملی در دوره اوستایی پدید آمده است. در فصل ششم و مقاله آخر، جان کرتیس به آن تنوع فرهنگی می‌پردازد که به تشکیل فرهنگ و تمدن ایرانی یاری داد. او شواهد باستان‌شناسی در ایران عصر آهن در هزاره دوم و نخست پیش از میلاد در دوره مهاجرت اقوام هند و ایرانی زبان را موردتوجه قرار می‌دهد.

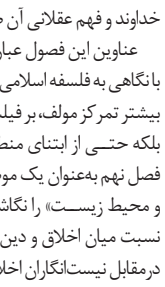

پیدایش امپراتوری ایران
وستا سرخوش کرتیس
سارا استوارت
ترجمه: کاظم فیروزمند
قیمت: ۹۹۰۰ تومان
ناشر: مرکز

عطف

دین و اخلاق از منظر فلسفه

مضمون مقالات کتاب «کیمیای خرد» که در حدود یک‌دهه و به‌صورت متناوب منتشر شده‌اند، دین و اخلاق با نگاهی فلسفی است. این مقالات از روحی واحد و دغدغه‌ای یکسـان برخوردارند. مقالات در عین استقلالشان از یکدیگر در فرم و محتوا هماهنگی و پیوستگی دارند. این اثر از ۲۱فصل تشکیل شده است. ان‌شاءالله رحمتی در فصول یک و دو ضرورت خردورزی و به‌طور کلی لزوم فلسفی‌اندیشـی برای بشر را در امر دنیا و آخرت تبیین می‌کند. در فصل سـوم این ضرورت را در حوزه فلسفه دین پی می‌گیرد و نشـان می‌دهد اگرچه در طول تاریخ اندیشه تنش‌های فراوانی میان دین و فلسـفه وجود داشته اسـت، اما این دو هرگز از یکدیگر بی‌نیاز نبوده‌اند. از آنجا که در مواردی فلاسـفه عرصـه را برای اصحاب دین تنگ کرده‌اند، رحمتی در فصل چهارم به بحث تجربه دینی به عنوان دلیلی برای کسب معرفت پرداخته است. مولف در فصول پنج، شش و هفت تاکید می‌کند که بحث‌های تاسیسی که از سوی فلاسفه دین در دفاع از دین در برابر فلاسفه مطرح شده به تجربه دینی محدود نبوده است و براهین اثبات وجود خدا از جمله برهان وجودی، احیا شده است و برخی فیلسوفان تقریر جدیدی از آن ارایه کرده‌اند، احیای براهین سنتی به مباحث تحلیلی فراوان درباره صفات خداوند و فهم عقلانی آن صفات نیز کشیده شده است.

عناوین این فصول عبارتند از: پاسکال: ایمان و عقلانیت، برهان وجودی با نگاهی به فلسفه اسلامی، قدرت مطلق و فهم عقلانی دین. در فصل هشتم بیشتر تمرکز مولف، بر فیلسوفانی است که اخلاق را بر دین مبتنی نمی‌دانند بلکه حتـی از ابتنای منطقی دین بر اخلاق حمایت می‌کنند. رحمتی در فصل نهم به‌عنوان یک موضوع ملموس در حوزه اخلاق، مقاله «دین، اخلاق و محیط زیسـت» را نگاشته است. واقع‌گرایی یکی از مسایلی است که در نسبت میان اخلاق و دین مطرح می‌شود، به این معنا که «چگونه می‌توان درمقابل نیست‌انگاران اخلاقی که هرچیزی چون واقعیت یا ارزش اخلاقی را نفی می‌کنند، از وجود این ارزش‌ها دفاع کرد.» (ص ۱۵)

این مساله موضوع فصل دهم، «سرود عدالت: تاملی در رساله گرگیاس افلاطون»، را تشـکیل می‌دهد. مولف در فصـول ۱۲ و ۱۳ به این موضوع پرداخته که آیا فیلسوفان ما نیز می‌توانند حضوری درخور در این مباحث داشته باشند. از جمله نقاط قوت فلسفه و حکمت اسلامی، درک عمیق آن از قوه معرفتی «خیال» و ساحت «عالم مثال» است که در فصول ۱۴ تا ۱۷ واکاوی شده است. عنوان فصل ۱۸ «سنت‌گرایی و موانع فهم آن» است که به مکتب حکمت خالده یا سنت‌گرایی در دوران معاصر پرداخته است. در سه فصل پایانی کتاب «کیمیای خرد» به قابلیت‌های سنت‌گرایی برای حضور در تاملات امروزین در دو عرصه هنر و علوم تجربی تمرکز کرده است.

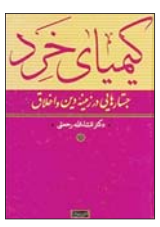

کیمیای خرد
ان‌شاءالله رحمتی
ناشر: سوفیا
نوبت چاپ: ۱۳۹۲
قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

جدول ۱۷۸۸

افقی:

۱- نام اسـب زورو سوار سیاهپوش معروف- موسم گرما ۲- سـیاره زحل- دلجویـی ۳- درازگوش- قطعه گوشـت بی‌استخوان دام یا ماهی- واحد شمارش پنیر- ویتامین جدولی ۴- واحد پول کره‌جنوبی- چهره- بالابر خودرو- معدن ۵- سهل و ساده- قصد- نمای جانبی از صورت یک جاندار ۶- بستانکار- آشکار و علنی- حمام بخار ۷- گل دندان نشـین! - هر یک از نمکهای اسـید هیدرو کلریک- قوت لایموت ۸- حرف توفیر- گوشـی پزشکی- ابر غلیظ ۹- فاقد شفافیت- آرزوی بزرگ- مقابل آسـتر ۱۰- نان خرد کرده در آبگوشـت- کلمه تنبیه- فراهم کـردن ۱۱- امتحان- نحیـف و لاغر- خدمتکار ۱۲- نی میان تهی- دربای تازی- آرزوها- بدون آن نتوان زیسـت ۱۳- اسـم آذری- پارچه یا نخ به دست آمده از پشم نوعی بز بومی ترکیه- داستان بلند- طاقچه قدیمی ۱۴- پس از مرگ سهراب چه سود- گلگون ۱۵- دهاتی- میوه کوچک و نارنجی رنگ کروی

عمودی:

۱- سـلو- برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن از سی امین جشنواره فیلم فجر برای فیلم «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه» ۲- از عوامل بیماری زا- منسوب به هنگام زاده شـدن ۳- مایه پیشـرفت! - ندا دهنده- از لوازم آرایش بانوان- دور دهان ۴- سـوراخ شکم- اثری ادبی از «امیل زولا» نویسنده فرانسـوی- عدد ورزشی! - مرگ ۵- همدم- قانون چنگیزی- شـنونده ۶- درخشـان و تابان- سبزی بی‌ارزش! - نـام مبارک امام زمان (عج) ۷- ترس- پنهان داشـتن راز- نظر انتخاباتی ۸- بیماری واگیردار حاد دسـتگاه تنفس کـه موجب التهـاب بینی و دردهای عضلانی می‌شـود ۹- چادر بزرگ- پیشخدمت رستوران- روزی که در آنیم ۱۰- هدف- زیبـا، برازنده و خوش حالت- خانه‌های ریز روی عکس ۱۱- تراس- سـیکل- تیغچه آزمایشـگاهی ۱۲- بی‌بهره سـاختن- تصدیق بیگانـه- امتیاز فرنگی- عشوه ۱۳- عید ویتنامی‌ها- نهفتگی- خداوند در تورات- علامت مفعولی ۱۴- برگه نمرات دانش‌آموز- بی‌بصیرت ۱۵- محل نگهداری بینوایان- شدآمد

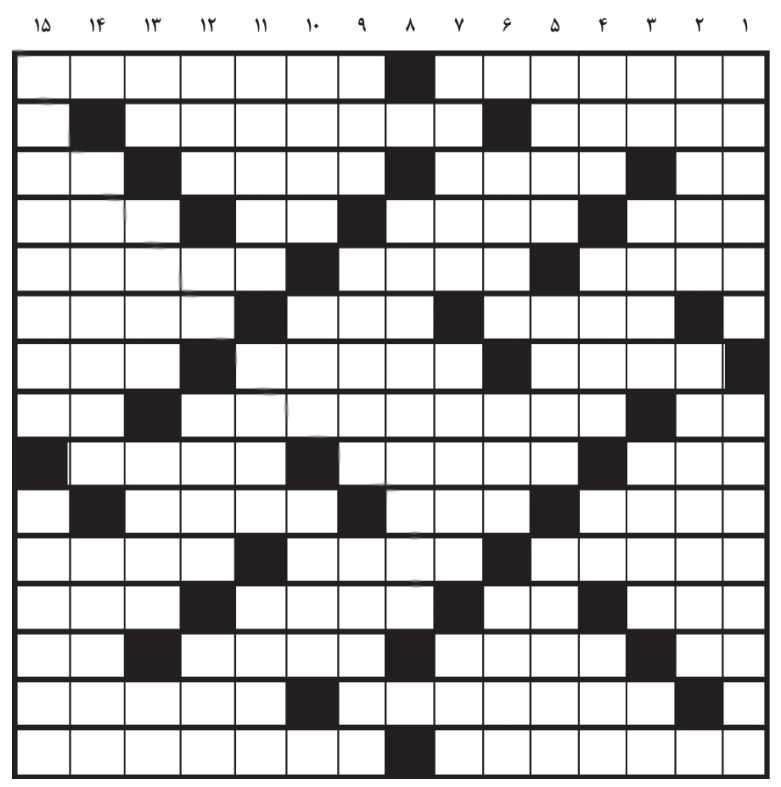

جدول ۱۷۸۷

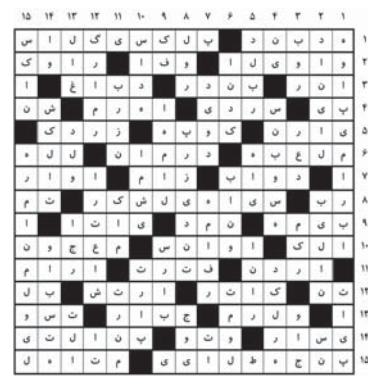

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۴۴۰

					۹	۸		۱
۱	۹		۸				۲	
			۳					۴
۶			۲				۸	
		۲						۳
۹		۳			۷	۴		
				۵			۶	
		۱			۴	۹		
					۸			

حل سودوکو سخت

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۹۱

	۱	۸				٤		
	۲	٦						
	۳			۸				۹
		۱			٤		۲	
۳	٤	۲			۷	٦		
			۹					
۲				۳	۹		٦	٤
۱	۵					۹	۷	
		۹	۵	۷	۲		۳	

حل سودوکو ۷۹۰

۳	۶	۱	۸	۹	۷	۵	۲	۴
۵	۸	۷	۱	۲	۴	۶	۳	۹
۲	۴	۹	۵	۳	۶	۱	۷	۸
۶	۵	۴	۲	۱	۹	۷	۸	۳
۱	۷	۲	۶	۸	۳	۴	۹	۵
۸	۹	۳	۴	۷	۵	۲	۱	۶
۷	۳	۵	۹	۴	۱	۸	۶	۲
۴	۱	۸	۳	۶	۲	۹	۵	۷
۹	۲	۶	۷	۵	۸	۳	۴	۱